

بررسی نقش اخلاق در اسلام و دیدگاه پیشوایان دینی گذشته و معاصر در این زمینه

حمیده احسانی^{۱*}، عالیه باقری^۲، سپیده احمدپور^۳

۱- دانشجوی کارشناسی، زبان انگلیسی، دانشگاه فرهنگیان، اصفهان

۲- دانشجوی کارشناسی، علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، اصفهان

۳- دانشجوی کارشناسی، علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، اصفهان

*Hamidehehsani1375@gmail.com

ارسال: آبان ماه ۹۶ پذیرش: آذر ماه ۹۶

چکیده

هدف مقاله بررسی واستقصای ناقصی از عواملی هم چون؛ مفهوم اخلاق از منظر مکتب اسلام و رابطه آن با اصول اخلاقی، بررسی علم اخلاق، هدف و ضرورت فراگیری آن بوده است. روش تحقیق به صورت مروری و کتابخانه ای بوده و در عین حال نیم نگاهی به آیات و روایات اخلاقی داشته است. مهم ترین یافته های این مقاله نشان می دهد که نظام اخلاقی به عنوان مجموعه آموزه هایی است که راه و رسم زندگی کردن به نحو شایسته را ترسیم کرده و بر پایه نظریات اسلام شکل گرفته است. نظام اخلاقی اسلام همه عرصه های حیات انسان را دربرمی گیرد و درمغایرت با مکاتب افراطی ای چون ایده آلیست ها، با تأکید بر تزکیه و پرورش نفس، میانه روی در اخلاق را سفارش نموده است. بدین منظور در پایان این مقاله نیز به ذکر چند نمونه از مفاهیم اخلاقی و کاربردی در مکتب اسلام و آیات اخلاقی قرآن کریم اشاره شده است.

واژگان کلیدی: علم اخلاق، مبانی و اصول اخلاق اسلامی، آیات اخلاقی قرآن کریم.

۱. مقدمه

در تحقیق حاضر، نویسندگان به بررسی اخلاق اسلامی می پردازند؛ قبل از آن تعریف روشنی از علم اخلاق ارائه می گردد؛ تعریفی که علاوه بر مسلمانان مقبولیتی عام داشته و پیروان سایر مسلک ها نیز پیرو آن باشند. اگرچه صراحتاً می توان گفت چنین چیزی امکان پذیر نیست چراکه مکاتب فکری جوامع مختلف با یکدیگر متفاوت اند و مبناهای فکری چنین جوامعی که بر اساس آن معیار های خوب یا بد تعریف می شود نیز با یکدیگر تفاوت دارند. بنابراین می توان گفت تعریفی که از علم اخلاق در جوامع گوناگون بیان می شود نیز تغییر می نماید.

با این حال می توان علم اخلاق را این چنین تعریف کرد که: «علمی است که از فضایل و نیکویی هایی بحث می کند که زندگی با آن شیرین می شود و از رذایلی بحث می کند که باید از آن رهایی یافت و همچنین معنی خیر و شر را روشن می سازد و هدفی را

که شایسته است انسان بخاطر رسیدن به آن طی طریق کند را شرح و بسط می دهد. همان طور که مطرح شد متغیر هایی در تعریف علم اخلاق موثرند که با تغییر آن ها علم اخلاق نیز تغییر می کند. به عنوان نمونه امکان دارد متغیری در دین اسلام به عنوان فضیلت در نظر گرفته می شود، در آیین دیگری به عنوان رذیلت مورد قبول باشد یا بالعکس. به هر حال ما در این مقاله به بررسی نسبی یا مطلق بودن افراد نخواهیم پرداخت چراکه از حیثه مقاله خارج است.

همان طور که قبلاً نیز اشاره شد در تحقیق حاضر به بررسی اخلاق اسلامی پرداخته می شود. دین اسلام مجموعه ای از عقاید و تعالیم و دستورات عملی می باشد که در قالب تعالیمی هدایت بخش بر قلب پیامبر(ص) از جانب خالق حکیم وحی شده است و نظام اخلاقی را به صورت مجموعه آموزه هایی که راه و رسم زیستن به نحو شایسته و بایسته را در آن ترسیم کرده، بایدها و نبایدهای ارزشی حاکم بر رفتار آدمی را تبیین نموده. از این رو سخن گفتن از نظام اخلاقی منسوب به اسلام امری موجه و گفت و گو درباره ساختار کلی حاکم بر این نظام امری درخور تأمل و اندیشه خواهد بود.

قطعاً خاستگاه بنیادین دستورات اخلاقی در اسلام، نه لذت طلبی است و نه سودجویی، نه خرد و نه وجدان، نه عرف و نه جامعه و نه تجدد مآبی، و نه دیگر چیزهایی که مکاتب اخلاقی مطرح کرده اند، بلکه منبع فرامین و ملاک عمل و دستور اخلاقی در اساس کار همان وحی الهی است.

در طول تاریخ، انسان هیچ گاه مانند زمان ما نیازمند به یک نهضت اخلاقی نبوده است، زیرا در گذشته، بشر به این سطح از دانش دسترسی نداشت و بیشتر ضوابط مذهبی، بر روابط فرد و اجتماع حاکم بود؛ اما امروزه پیشرفت علم، انسان را بر بسیاری از نیروهای طبیعت مسلط کرده و همچنین او را از سلاح های تخریبی با قدرت فوق تصور، برخوردار نموده است و با تضاد موجود بین قدرت ها، تنها جرعه ای برای تکرار جنگ های هستی سوز جهانی، کافی است. وضع خطرناک موجود تا حدودی مولود افکار عده ای از دانشمندان چند قرن اخیر است که گمان داشتند علم به تنهایی، گره گشای همه مشکلات بشریت است.

اگر همزمان با نهضت علمی اروپا، نهضت اخلاقی نیز انجام می گرفت، امروز دنیا با مسئله ای به نام «نابودی تمدن انسانی یا نسل بشر» روبه رو نبود. متأسفانه رنسانس علمی، منهای اخلاق به وجود آمد و پله های نردبان پیشرفت در غیاب اخلاق، پشت سر گذاشته شد. اما در این میان بعضی از اندیشمندان، این خلأ اخلاقی را به خوبی احساس می کردند و نگران آینده بودند. لذا برای جبران گذشته، نهضت های اخلاقی را در اروپا و آمریکا به وجود آوردند، اما خطای بزرگی که انجام گرفت این بود که در طی این فرآیند، اخلاق از مذهب جدا شد و بر تأسیس مکتب اخلاقی بر مبنای مادیات و محسوسات تأکید شد. اثر این نهضت، ایجاد یک خلأ بزرگ در روح فرد و اجتماع و تسهیل سیر نزولی بشریت بود. نسل امروز، با همه رفاه نسبی و نیز با تمام مصائب دردناکش نمونه ای از گسترش وسیع دانش و تکنیک، منهای اخلاق است. از میان مکاتب مختلف اخلاقی موجود، مکتب اخلاقی اسلام، واجد امتیازات و خصوصیات منحصر به فردی است که می تواند پیشاپیش همه مکاتب و علوم در هر زمان، نقش سازنده خود را ایفا نماید[۱].

هرچند نباید فراموش کرد که با ظهور اسلام در عربستان توسط پیامبر اکرم (ص) و با توجه به حدیث ایشان (اِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ) «به راستی که من مبعوث شدم تا شرافت های اخلاقی را کامل و تمام کنم» اخلاق اسلامی تکمیل گردید. چراکه از ویژگی های بارز انبیای الهی داشتن اخلاق نیکو است. آنان همان طور که در دیگر زمینه ها به عنوان الگوی مردم و اجتماع هستند در زمینه اخلاق نیز به عنوان الگوی مردم مطرح بوده اند. در طول زندگانی پیامبر اسلام(ص) به خوبی دیده می شود که پابندی به رشد و تعالی اخلاقی مردم در صدر کار ایشان بوده است و در همه زمینه های اخلاقی، مسلمانان را به رشد و تعالی رساندند و پیام های بلند ایشان، تا انتهای تاریخ، منادی شرافت و فضائل اخلاقی برای بشریت است[۲]. بنابراین خود انبیا به ویژه پیامبر اسلام (ص) دارای

بلندترین مکارم و فضائل اخلاقی بوده اند و یکی از علل بعثت آنان، تزکیه مردم از رذایل اخلاقی و روحی بوده است.

۲. معنای لغوی اخلاق

در تعریف لغوی اخلاق باید گفت که این کلمه از ریشه «خُلِقَ» به معنای نصب و بهره مشخص می‌باشد. اگرچه برای دو لفظ «خُلِقَ» و «خَلَقَ» نیز معنی تقدیر و شکل و اندازه چیزی به کار رفته است. در نتیجه شخص با اخلاق کسی است که بهره فراوانی از فضائل و رذائل اخلاقی را داراست، زیرا فضائل یا رذائل اخلاقی هستند که حالت صفت و ملکه‌ای نفسانی را در انسان ایجاد می‌کنند [۳]. اخلاق در لغت به معنای طبیعت و سرشت است. به عبارتی " اخلاق، مجموعه‌ای از معانی و ویژگی‌های ثابت و مستقر در نهای انسان است که در پرتو آن، رفتار در نظرش نیک یا زشت نشان داده می‌شود و از این رو، فرد یا به انجام آن اقدام می‌نماید یا از انجام آن خودداری می‌ورزد" [۴].

۳. معنا و مفهوم اخلاق از دیدگاه اسلام

اخلاق مجموعه‌ای اصول و ارزش‌هایی است که رفتار انسان را تنظیم می‌نماید و تعالیم وحی آن‌ها را تعیین فرموده و جهت تحقق هدف وجود انسان در کره خاکی، اصول و ضوابطی را برای آن‌ها قرار داده است [۵]. اخلاق، وضعیت و حالت پایدار و استواری در نهای انسان است، که رفتار و کردار آدمی به آسانی و بدون نیاز به اندیشه و تامل از آن فرمان می‌گیرد. اگر این حالت و وضعیت به گونه‌ای باشد که کردار و رفتاری که از دیدگاه عقل و شرع شایسته است، از آن سرزند، در این صورت، این حالت و وضعیت به نیک رفتاری قلمداد خواهد شد؛ و اگر کردار صادره از آن زشت باشد، در این صورت، آن حالت به "بد رفتاری" نامگذاری خواهد شد. «الْخُلُقُ وَالْخُلُقُ» با هم به کار می‌روند، گفته می‌شود: «فُلَانٌ حَسَنُ الْخُلُقِ وَالْخُلُقِ» یعنی باطن و ظاهر وی نیک و خوب است؛ منظور از «خُلُق» همان صورت ظاهری و مراد از «خُلُق» صورت باطنی است.

۴. الگوی اخلاقی اسلام

نکته مهمی که ضرورت تحصیل آگاهی و معرفت در زمینه اخلاقی را روشن می‌سازد؛ عظمت هدفی است که در تعالیم اسلامی از سازندگی اخلاقی تعقیب می‌شود. چه هدف از اخلاقیات در اسلام تنها این نیست که شخص پاره‌ای آداب ظاهری را فرا گرفته و با برخی فضائل سطحی و ظاهری را در خود ایجاد کند، بلکه هدف نهایی از سازندگی اخلاقی در مکتب آسمانی اسلام چنان با عظمت، حساس و متعالی است که هرگز و تحت هیچ شرایطی نمی‌توان با انواع جهالت‌ها، ساده‌اندیشی‌ها و سطحی‌نگری‌ها، بی‌آنکه شخص از عمق فکری و معنوی لازم برخوردار گردد، به آن دست یافت. از این رو تفاوت بسیاری بین الگوهای اخلاقی اسلام و آنچه در عرف و اجتماع به عنوان تپ مقدس مآب خاص و عام وجود دارد، هست. این قبیل افراد که تنها به ظاهر آداب شرع توجه کرده و از فضائل به دسته خاصی، آن‌هم به صورت صوری و ظاهری بسنده می‌کنند، هرگز الگوی مطلوب اخلاق اسلامی نبوده و نمی‌توانند باشند. اینان به جهت بی‌بهره بودن از فضائل و کمالات و محرومیت از عمق معنوی لازم، نتوانسته‌اند اهداف اخلاقی اسلام را به طور هماهنگ و به صورت عمیق در وجود خود پیاده کنند، بلکه به جهت یک‌جانبه‌نگری و تک‌بعدی بودن، فرسنگ‌ها از انسان نمونه اسلام که شخصیتی چندبعدی، عمیق و همه‌جانبه دارد، فاصله دارند.

الگوی اخلاقی اسلام، انسان وارسته و به کمال پیوسته‌ای است که علاوه بر ظاهر از نظر باطن نیز به تصفیه‌ای کامل نائل آمده و دلش روشن به نور معرفت است. هدف از رفتار اخلاقی در اسلام، افزایش مراتب و درجات قلبی در سایه‌ی معرفت الهی است تا

شخص شایستگی لازم برای تقرب خدا را پیدا کند [۶].

۵. اخلاق در اسلام از دیدگاه پیشوایان دینی

حضرت علی (ع) فرمود: چه بسیارند عزیزانی که به خاطر بداخلاقی ذلیل می شوند و ذلیلانی که به خاطر حسن خلق عزیز می شوند. امام حسن (ع) فرمود: خوش اخلاقی سرآمد هر کار نیک است. امام صادق (ع) فرمود: مکارم اخلاق ده چیز است: یقین، قناعت، صبر، شکر، حلم، حسن خلق، سخاوت، غیرت؛ شجاعت، جوانمردی. پیامبر اکرم فرمود: در افراد با ایمان بخل و بداخلاقی جمع نمی شوند. منافع و مصالح ناپایدار دنیوی است و در اینجا کمال حقیقی و سعادت واقعی است. عقل حکم می کند که انسان مواهب جاوید و نعمات ابدی را به بهای کامروائی های آمیخته به هزاران رنج و ناخوشی این دار فانی، که در آن هر نوشی همراه نیشی و لذتی همراه المی است، نفروشد و به این سودای زیان بار تن در ندهد.

اما در این میان مرتبه والای دیگری نیز هست که در تعالیم پیشوایان اسلام مورد تاکید قرار گرفته و از این جهت می توان آن را «مکتب اخلاقی قرآن» نام نهاد. در این مقام، نه آثار اخروی آن یعنی برخورداری از نعمات بهشی و دوری از عذاب جهنم بلکه هدف تنها ذات اقدس الهی است و بس. این هدف ماورای اهداف اخروی است که غالباً مردم به آن نظر دارند. این چنین مقصد والایی مطلوب نهایی بلکه تنها مطلوب بندگان خاص الهی و موحدین واقعی است و در واقع چیزی جز توحید ناب نیست. چنین نظام اخلاقی، مکتب اخلاقی دوران رشد انسان هاست [۷].

۱.۵. اخلاق اسلامی از دیدگاه پیشوایان دینی معاصر

۱.۱.۵. از دیدگاه مصباح

عقیده به واقع گرایی، محور مهم ترین مباحث فلسفه ی اخلاق در دیدگاه مصباح است [۸]. واقع گرایی در اخلاق به این معناست که ارزش و لزوم اخلاقی واقعیت عینی دارند و جمله های اخلاقی واقع نما هستند. مصباح با تحلیل دقیق مفاهیم اخلاقی از جمله مفهوم «باید و نباید» و مفهوم «خوب و بد» به این نتیجه می رسد که هر چند قضایا و احکام اخلاقی را در بسیاری از مواضع می توان به گونه ای انشایی و در قالب «باید» و «نباید» و «امر» و «نهی» بیان کرد، احکام اخلاقی حقیقتاً از سنخ جملات خبری بوده، خبر از یک واقعیت نفس الامری می دهند.

۲.۱.۵. از دیدگاه سروش

سروش بر این باور است که در مفاهیم اخلاقی، آنها که تعریفشان روشن است، حسن و قبحشان مطلق نیست و آنها که حسن و قبحشان مطلق است، تعریفشان روشن نیست. او هر دو را باعث کوتاهی و تیرگی در مقام ارشاد می داند؛ مثلاً راستگویی معنا و تعریف واضحی دارد، اما هیچ حکیم اخلاقی هیچگاه فتوا نداده است که راستگویی مطلقاً و همه جا نیکوست. با این که همه عقلا بر حسن عدل و قبح ظلم به نحو مطلق اتفاق کرده اند، به نظر سروش، هیچ عاقلی تعریفی روشن از عدل و ظلم به دست نداده است [۹].

۶. علم اخلاق

«علم اخلاق» نیز از جمله دیرینه ترین دانش های بشری است چرا که از دیرباز دغدغه بشر بوده و در کهن ترین متونی که از فرهنگ های مختلف بر جای مانده نیز با آموزه های اخلاقی مواجه می شویم. به گفته جی. جی. وارنوک " وقتی فلاسفه اخلاق از اصول اخلاقی، حکم اخلاقی و به طور کلی گفتار اخلاقی صحبت به میان می آورند، درباره چه بحث می کنند؟ مراد از اخلاقی

چیست؟ تا به این مسائل پاسخ داده نشود، فلاسفه اخلاق نمی‌توانند بدانند که درباره چه چیزی بحث می‌کنند یا لااقل نمی‌توانند مطمئن باشند که همه صحبت از یک مطلب دارند [۱۰].

قرآن کریم نیز به عنوان منبع اصلی تبیین علم اخلاق برای دست‌یابی به اهداف خود مانند استواری نظم، عدالت و تأمین سعادت انسان‌ها در دنیا و آخرت، انجام و ترک پاره‌ای از امور را به گونه‌های بایدها و نبایدها بر مکلفان اجبار و الزام نموده است و تمام کسانی که بالغ و عاقل هستند، موظف هستند این اوامر و نواهی را رعایت کنند. این الزام در باطن خود با بسیاری از تکالیف و رفتار آدمی مانند مسئولیت، پاداش، عقاب و ... رابطه دارد [۱۱].

۷. ضرورت فراگیری و هدف علم اخلاق

علم اخلاق است که با شناسایی استعداد‌های گوناگون انسان و فضایل و رذایل روح آدمی چگونه ایجاد تعادل در میان امیال گوناگون و راه و روش تربیت نفس را میسر می‌سازد بدان گونه که انسان بتواند به کمال شایسته خود نایل آید از این جا می‌توان دریافت که علم اخلاق از ضروری‌ترین علوم است که انسان بدان نیازمند است. هدف نهایی علم اخلاق این است که انسان را به کمال و سعادت حقیقی خود، یعنی قرب الهی که همانا هدف اصلی خلقت جهان و انسان است برساند.

۸. غایت در مکتب اخلاق اسلامی

با مراجعه به متون دینی استنباط می‌شود که غایت در این نظام، لذت است، اما نه لذتهای حسی دنیوی که ناپایدار، سطحی و توأم با رنجها و آلام فراوان است، بلکه لذتهای پایدار، عمیق و خالی از هرگونه رنج و سختی. با مروری بر آیات کریمه قرآن روشن می‌گردد که خداوند از انسان خواسته خود را در لذتهای دنیوی که گذرا و همراه با رنجهای فراوان و بسیار پایین مرتبه و دون هستند محدود نساخته و به آخرت و نعمتهای جاودانه آن نظر تام داشته باشد. از منظر قرآن، بالاترین لذت و سروری که برای انسان حاصل می‌گردد، لذت حاصل از انس با خدا، قرب به او و نظر به جمال و جلال الهی است «و رضوان من الله اکبر». از این رو می‌توان گفت: غایت در نظام اخلاقی اسلام قرب الی الله است، یعنی مصداق آن مفهوم غایی، قرب الهی است. باید توجه داشت که نظام اخلاقی اسلام به لحاظ غایی، ثنوی نیست، هدف سعادت نهایی است و این حقیقتی است که مفاهیم عدیده‌ای بر آن دلالت می‌کند، مفاهیم متعددی که به عنوان غایت نهایی در نظام اخلاقی یاد می‌شود. در قیاس با منافع دنیوی، نظام اخلاقی اسلام غایت‌گرا نیست، بلکه ارزش‌گرا و فضیلت‌خواه و به تعبیری وظیفه‌گراست. این غایت، یعنی کمال انسان، با انجام اعمالی که ملائیم با نفس متعالی انسان است، تحقق می‌یابد؛ از این رو، نظام اخلاقی اسلام در مقام توصیه و دستور و ارائه برنامه، همچون وظیفه‌گرایی که به هیچ غایت مادی و منفعت دنیوی نظر ندارد، توصیه می‌کند [۱۲].

۹. میانه‌روی اسلام در اخلاق

اسلام میانه‌رو و معتدل است میان آرمان‌گرایان و ایده‌آلیست‌های افراطی که انسان را فرشته یا فرشته‌آسا می‌پندارند، و بر همین اساس ارزش‌ها و روش‌های فراتر از توان وی، برایش طرح ریزی می‌کنند، و میان واقع‌گرایان افراطی که او را حیوان یا شبه حیوان قلمداد می‌کنند، و بر همین اساس رفتاری فرورتر از شخصیت و ارزش وی برایش روا می‌دارند. دسته اول با حسن ظن به فطرت انسانی آن را خیر و نیکی محض به شمار آوردند و اینان با بدگمانی به آن طبیعت بشر را شر و پلیدی خالص برشمردند. در حالی که نظر اسلام در میان این دو گروه، نظری است میانه‌رو و معتدل. انسان در نظر اسلام موجودی است مرکب، دارای عقل، شهوت،

غریزه حیوانی و روحانیت فرشتگان که راه خیر و راه شر برای وی روشن و معلوم شده است. و از نظر ساختاری و فطری برای پویش هر دو راه مهیا شده است، هم می‌تواند راه شکر و سعادت را در پیش گیرد و هم راه کفر و شقاوت، در وی به اندازه استعداد پارسایی، استعداد ناپارسایی هم وجود دارد. مأموریت و وظیفه او مبارزه با نفس و پرورش آن است تا این که ترکیه و پاک و پاکیزه گردد: وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا - فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا - قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا - وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا. [الشمس: ۱۰-۷] [۱۳].

۱۰. ذکر چند نمونه از مفاهیم اخلاقی در اسلام

▪ امر به عفو و بخشش، تشویق به سهل گیری، و در نهایت شیوه ی درست رفتار نمودن با نادانان: (خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ) (اعراف، ۱۹۹).

▪ وفای به عهد که از جمله ی مفاهیم اخلاقی عام به شمار میرود: (وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا) (اسراء، ۳۴).

▪ امانت داری که قرآن بعضی از اهل کتاب را نیز به این دلیل ستوده است: (وَمِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مَنْ إِنْ تَأْمَنَهُ بِقِطَارٍ يُؤَدُّهُ إِلَيْكَ وَيَنْهَمُ مِنْ إِنْ تَأْمَنَهُ بِدِينَارٍ لَا يُؤَدُّهُ إِلَيْكَ إِلَّا مَا دُمْتَ عَلَيْهِ قَائِمًا) (آل عمران، ۷۵).

▪ تواضع صفتی که در برابر کبر و غرور قرار میگیرد: (لَا تَمَسُّ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ) (لقمان، ۱۸).

۱۱. چند نمونه از آیات اخلاقی قرآن کریم

▪ هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ (جمعه، ۲).

او خدائست که در میان مردم بی سواد عرب پیامبری از جنس خودشان مبعوث کرد تا آیات کتاب خدا را بر آنان بخواند و آنها را به نحوی صالح که ملازم خیر و سعادت آنهاست رشددهد تا به جای اخلاق رذیله صاحب اخلاق فاضله و اعمال صالحه شوند و به کمال و سعادت برسند و از شرک به توحید راه یابند. پس بعثت آن حضرت منت و فضلی از ناحیه خدای سبحان است، و اینکه خداوند در این آیه ترکیه را مقدم بر تعلیم ذکر نموده به جهت آن است که در مقام تربیت، ترکیه مقدم بر تعلیم است.

▪ لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ (آل عمران، ۱۶۴).

ارسال پیامبر خود یک نعمت است و اینکه او از جنس بشر می باشد، نعمت دوم میباشد و همچنین تلاوت آیات و ترکیه مؤمنان و تعلیم کتاب و حکمت هر کدام نعمتی پس از نعم دیگر هستند و مسلمانان از بعثت پیامبر (ص) وضع مردم بسیار اسفناک بود، آنها اغلب بی سواد بوده و از درک و شعور درستی برخوردار نبودند، اما پیامبر قلب های آنان را از تصورات و بتها پاکیزه نمود.

▪ كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِنْكُمْ يَتْلُوا عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُمْ مَا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ (بقره، ۱۵۱).

یعنی امر رسالت نیز انعامی دیگر در حق شما بود همچنانکه ساختن کعبه بدست ابراهیم (ع) و قبله نمودن آن نعمت بود و این آیه استجابت دعای ابراهیم (ع) است که در ابتدای سوره نمود و خداوند بوسیله ظهور پیامبر و تلاوت قرآن و تطهیر مکه از رجس و پلیدی بتها و اعتقادات فاسده کفر و شرک و برطرف کردن ملکات رذیله اخلاقی مثل کبر و بخل و اعمال زشت و قبیح مثل قتل و زنا و تعلیم. معارف اصلی و فرعی دین، (ترکیه و تعلیم کتاب و حکمت) دعای ابراهیم (ع) را اجابت کرد [۱۴].

▪ رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (بقره، ۱۲۹).

این آیه، داعی دیگری از حضرت ابراهیم علیه السلام را بازگو می‌کند که بیانگر عظمت فوق‌العاده روح، و ترسیم‌کننده‌ی سوز و اخلاص درونی اوست. با آنکه خود در حال حیات و از پیامبران برجسته الهی است، برای نسل‌های آینده دعا می‌کند که پروردگارا! در میان مردم و ذریه من، پیامبری از خودشان مبعوث کن. از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است که فرمودند: «أنا دعوة ابي ابراهيم»، من نتیجه اجابت دعای پدرم ابراهیم هستم که فرمود: «رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ» با آنکه در دعای ابراهیم علیه السلام تعلیم بر تزکیه مقدم شده است، اما خداوند در اجابت این دعا، تزکیه را مقدم داشته تا به ابراهیم هشدار دهد که تزکیه، با ارزش‌تر است و تعلیم در مرتبه بعدی است [۱۵].

▪ قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا - وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا (شمس، ۹ و ۱۰).

یک فرد تزکیه شده می‌تواند منشأ تحول در جامعه شود و به جامعه رشد و شجاعت و شخصیت و معرفت و وحدت دهد، چنانکه یک نفر تزکیه نشده برای رسیدن به هوسهای خود امت‌هایی را به فساد و نابودی و سقوط می‌کشانند. در قرآن، برای رستگاری انسان‌ها دو عامل مطرح شده است: یکی ایمان و دیگری تزکیه. «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا»، «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ» بنابراین حقیقت ایمان و تزکیه یکی است و هر کس می‌خواهد خودسازی کند، باید مؤمن واقعی باشد. آری مؤمن واقعی کسی است که خود را تزکیه کند و تزکیه شده واقعی، کسی است که ایمان داشته باشد و احکام و تکالیف دینی را به دقت انجام دهد [۱۶].

▪ قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّى - وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى (اعلی، ۱۴ و ۱۵).

قرآن در پایان برخی آیات می‌فرماید: امید است رستگار شوید. «لعلکم تفلحون» زیرا کار خیر از افرادی که تزکیه نکرده‌اند، باریا و غرور و گناه و منت‌گذاری محو می‌شود. ولی درباره تزکیه شدگان می‌فرماید: قطعاً رستگارند. {قد افلح من تزکی}. تزکیه خود به خود حاصل نمی‌شود، باید به سراغ آن رفت. راه پاک شدن دل و فکر انسان، ذکر مداوم و مستمر نام خداوند است. {تزکی و ذکر اسم ربّه} [۱۷].

▪ وَكَذَلِكَ آتَيْنَا لِقْمَانَ الْحِكْمَةَ أَنْ اشْكُرْ لِلَّهِ وَمَنْ يَشْكُرْ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ (لقمان، ۱۲).

خداوند به ذات خود ستوده شده و بی‌نیاز از ستایش است. حمد و ستایش ما قرار گرفتن ما در مسیر طبیعی خلقت است. با پرستش او ما نیز در مسیر صحیح خلقت قرار می‌گیریم و آمرزیده می‌شویم. حمد او برای راهیابی ما به مسیر است. حمد او نیاز ماست نه او [۱۸].

۱۲. بحث و نتیجه گیری

امروزه به دلیل پیشرفت علم، انسان نیازمند مکتب اخلاقی می‌باشد و هدف آن در اسلام افزایش مراتب و درجات قلبی است. این مهم نیز مورد تأیید و تأکید بسیاری از تعالیم پیشوایان اسلام بوده است و آیات قرآن کریم موکد این امر می‌باشد. بنابراین می‌توان گفت نظام اخلاقی در دین اسلام به عنوان مجموعه آموزه‌هایی که راه و رسم زندگی کردن به بهترین نحو ترسیم کرده، باید‌ها و نبایدهای ارزشی حاکم بر رفتار آدمی را تبیین می‌کند و در نتیجه اخلاق را پاره‌ای ناگسستنی از دین به شمار می‌آورد. نظام اخلاقی اسلام همه عرصه‌های حیات انسان را در بر می‌گیرد. برخی از ادیان جهان، نظام اخلاقی خود را به تنظیم بخشی از روابط انسان محدود کرده‌اند؛ این ویژگی، تکلیف اخلاقی افراد را در عرصه‌های دیگر نامعلوم می‌گذارد. در حالی که اسلام به همه ابعاد وجودی انسان توجه دارد و تمامی روابط انسان را تحت پوشش هدایت اخلاقی خود می‌گیرد.

چگونه می توان با اتکا به آیات قرآن برای برون رفت از بحران های اخلاقی جامعه، به راهبردی عملی دست یافت؟ این سوالی بنیادی بخصوص برای کسانی است که اعتقاد دارند راه حل قطعی مسائل اجتماعی در متن قرآن نهاده شده و می توان با بازگشت مفهومی به قرآن، این مسائل را پشت سر گذاشت. پیشنهاد می شود با استفاده از قرآن کریم به عنوان یکی از مهمترین منابع معرفتی، به تصویری روشن از چیستی انسان، معنا و وضعیت زندگی و فرجام او رسید. باید طی اقدامی جامع و برنامه ای بنیادی به تشریح «مطلوب های اخلاقی و روانشناختی انسان» پرداخت. لذا بهتر است انسان های معتقد و متخلق به اخلاق اسلامی تربیت کنیم؛ زیرا ملکه های اخلاقی نهادینه شده در وجود فرد او را از رفتارهای ضد اخلاقی در فضای واقعی و مجازی بر حذر خواهد داشت. هم چنین اخلاق را بر اساس آموزه های قرآن کریم نشر و گسترش دهیم چرا که سند راهگشای بشر به سمت سعادت تنها همین راه است.

۱۳. منابع

۱. سالاری، محمد، ۱۳۷۸، تقویت باورهای دینی در معارف و اخلاق اسلامی، قم، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی مشهور.
۲. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۵، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۳. غزالی، محمد، ۱۴۱۶ هـ.ق، إحياء علوم الدين، بيروت، دارالفکر.
۴. زیدان، عبدالکریم، ۱۳۹۵ هـ.ق، اصول الدعوة، بغداد، بی نا.
۵. عبدالحلیم محمود، ۱۴۱۰ هـ.ق، فقه الدعوه الى الله، دار الوفاء للطبعه الاولى.
۶. محمد عیسی، کمال، ۱۴۱۴ هـ.ق، کلمات فی الاخلاق الاسلامیه، دار المجتمع للنشر و التوزیع، جدّه، چاپ دوم.
۷. حسینی، محمد بهاء الدین، ۱۳۷۹، دایرة المعارف اخلاق قرآنی، سنندج، تازه نگاه.
۸. مصباح یزدی، محمد تقی، ۱۳۸۴، نقد و بررسی مکاتب اخلاقی، تحقیق و نگارش احمد حسین شریفی، قم، مرکز انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (قد).
۹. سروش، عبدالکریم، ۱۳۸۱، اخلاق خدایان، چاپ چهارم، تهران: انتشارات طرح نو
۱۰. وارنوک، جفری جیمز، ۱۳۶۸، فلسفه اخلاق در عصر حاضر، ترجمه و تعلیق؛ صادق لاریجانی، تهران، مرکز ترجمه و نشر کتاب.
۱۱. دراز، عبدالله، ۱۴۰۸ هـ.ق، دستور الاخلاق فی القرآن الکریم، ترجمه عبدالصبور شاهین، بیروت، دارالبحوث العلمیه.
۱۲. مودودی، ابوالاعلی، ۱۳۶۴ هـ.ش، تئوری اخلاقی در اسلام، ترجمه غلامرضا سعیدی، تهران، بینا.
۱۳. قرضاوی، یوسف، ۱۴۰۹ هـ.ق، الخصائص العامه للإسلام، بیروت، مؤسسه الرساله، الطبعة الرابعة.
۱۴. قرائتی، محسن، ۱۳۸۳، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن، چاپ یازدهم
۱۵. طبیب، سید عبدالحسین، ۱۳۷۸، اطبیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات اسلام، چاپ دوم
۱۶. تهرانی، محمد تقی، ۱۳۹۸، تفسیر روان جاوید، تهران: انتشارات برهان، چاپ سوم
۱۷. همان.
۱۸. طباطبایی، محمد حسین، ۱۳۸۲، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی